



بهترین ها را در بلندترین شب سال برایتان آرزو داریم

سامانه پیامکی: ۰۱۰۰۰۵۷۵۷۵۷ | @IRIBnabz | صفحات اجتماعی

سال دوم | شماره هفتم | آذرماه ۹۷ | ربيع الثاني ۱۴۴۰ | ۶ صفحه | قیمت: ۲۰۰۰ تومان

گزارش نبض صداوسیما از سنگ اندازی مدعیان بی عمل در مسیر زنده شدن دانشگاه صداوسیما

چرا به قطار بی حرکت کسی سنگ نمیزند؟



دعا میکنم همه دانشجویان دانشگاه صداوسیما از سازمان «اخراج» شوند!



روایتی از عشق، خیانت و انتقام که ناگهان با شروع جنگ شکل دیگری پیدا می‌کند و جای همه چیز و همه کس عوض می‌شود. «مینو» ساخته امیر مهدی پوروزی ری دانش آموخته دانشگاه صداوسیما است که این روزها از شبکه یک سیما روی آنتن می‌رود به این بهانه نبض صداوسیما به سراغ این کارگردان جوان تلویزیون رفته است.

صفحه ۶



رحیم پور از غدی در دانشگاه صداوسیما:
**فیلم فارسی دهه نودی
نتیجه نگاه سیاه و سفیدی
به رسانه دینی است**

۲

تلویزیون ایران از «من و تو» تا «هن و شما»
نهادینه کردن یک بره‌ان احساسی و اخلاقی
مدرنیستی به جای بره‌ان مستدل و محکم دینی
آن هم در رسانه ای اخلاقی شگفت انگیز است

۴

علی فروغی در دیدار با اعضای جامعه رسانه اسلامی:
**دانشگاه، دانشجو و تلویزیون در
آنتن نداشتن دانشجویان دانشگاه
صداوسیما کوتاهی داشته اند**



۲

گزارش نبض صداوسیما از سنگ اندازی مدعیان بی عمل در مسیر زنده شدن دانشگاه صداوسیما

چرا به قطار بی حرکت کسی سنگ نمیزند؟

سخن نبض نامی از خویش در جهان بگذار

محمدحسین آزادی:
کارشناسی ارشد علوم ارتباطات



اگر انسان نبودیم و همچون حیوانی در بیشه ای زیست می کردیم بر ما عیب نبود اگر بر سر استراحتگاه و شکاری که به چنگ آورده ایم به هم نوع خودمان ببریم و جدال کنیم. صفر تا صد زندگی یک حیوان در خوردن و خوابیدن و التناذ جنسی و قدرت خواهی و نهایتاً فنا خلاصه می‌شود. صد البته که وجود آنها برای چرخه طبیعت لازم است و محصولاتی که از برخی از آنان به دست می آید مورد استفاده قرار می گیرد. اینک خوشبختانه با بدبختانه انسان آفریده شده ایم و غایت زندگی مان فراتر از اهداف مرتبط با بُعد جسمانی و خوردن و خوابیدن و کلیایی مان است. آنچه انسان را متمایز از حیوانات و جمادات و نباتات می کند بُعد روحانی ایشان است. بُعدی که نرم افزار زندگی را شامل می شود از اخلاق و رفتار فردی و اجتماعی تا تلاش برای تغییر و تحول و اصلاح برای رسیدن به اهداف عالیه خلقت نوع انسان. چه بسیار انسان هایی که زیستشان پست تر از حیوان و خلاصه در کلیایی هایی مادی شده و از این روشیه حکومت داری و اسباب و لوازم آن همچون رسانه هایشان مبتنی بر این نگاه ساماندهی شده است. در این مرحله از زندگی یعنی جوانی - باید مسیر خویش را برگزینیم، ما خواهیم برای خوردن و خوابیدن و لذت های آنی- که البته در محدوده و چارچوب خود حلال و مباح اند- تلاش کنیم یا برای درخشش بُعد تمییزی مان با سایر مخلوقات؟ می خواهیم زندگی و لوازم آن همچون رسانه را برای انسان به معنای واقعی آن جهت دمی و اصلاح کنیم یا برای انسان به معنای حیوانی آن؟ آمده ایم تا چند صباحی خوش باشیم و بمیریم همچون میلیون میلیون انسانی که آمده اند و رفته اند یا آمده ایم تا مرگ جسممان، مهری بر خاتمه یمان نباشد؟! و تاریخ برای همیشه گواه اندیشه و تحول نیکویی باشد که از خود بر جای گذارده ایم؟

به قول ناظم هروی «نامی از خویش در جهان بگذار، زندگی برای مردن نیست.»

دیدم، این قانون کلی زندگی ماست که هر کسی و هر چیزی تا وقتی که ساکن است مورد احترام است. تا ساکت است مورد تعظیم است. اما همین که به راه افتاد و یک قدم برداشت نه تنها کسی کمکش نمی کند، بلکه سنگ است که به طرف او پرتاب می‌شود و این نشانه یک جامعه مرده است. ولی یک جامعه زنده فقط برای کسانی احترام قائل است که متکلم هستند نه ساکت، متحرکند نه ساکن، باخبرترند نه بی‌خبرتر. ما به دنبال دانشگاهی زنده هستیم و تا توان داریم در برابر افرادی که به دنبال دانشگاه مرده و بی تحرک هستند می ایستیم، ما انحصار طلب نیستیم و در برابر انحصار طلبی ها هم می ایستیم و خواهان فعالیت تمیز فرهنگی همه گروه ها و مجموعه ها هستیم و اگر گروهی توان راه اندازی شکل دیگری برای تقویت اندیشه انقلابی را دارند اقدام کنند، شهید بهشتی می فرمایند: «تشکل حق تشکلی است که انحصار طلب نیست یعنی این منطق خود پرستانه و ضد خداپرستی را ندارد که هر کس توی این تشکیلات هست آدم خوبی است و هر کس نیست آدم بدی است این تفکر شیطنی است نه رحمانی و بزادانی» ولی جای بسی تأسف است که برخی از افراد ولایت و انقلاب را مشروط بر آنکه محبوس در چهار دیواری اتاق خودشان باشد قبول دارند. یکی نیست به عزیزان بگوید انقلاب، ولایت، شهادت و همه اینها مفاهیمی هستند که فارغ از دسته و باند و رنگ و نژاد و زبان اند که اگر جز این باشند انقلاب را تا نانوایی سر کوچه هم نمی توان رواج داد چه برسد به تمدن سازی! این قطار، تازه به راه افتاده است و برای رسیدن به اهداف خویش به سنگ اندازی خارج گودشتیان پرمدعا اهمیتی نمی دهد.

ولی در حد توان به دنبال رفع این موانع و ارتقای سطح فکر و اندیشه و تحلیل و بینش سیاسی بخشی از دانشجویان دانشگاه هستیم. در این دو ترم، از طریق برگزاری دوره های فکری معرفتی نظیر دوره چهل روزه «مبانی اندیشه اسلامی» در مشهد مقدس و سلسله جلسات «چراغ راه» بررسی بیانات رهبر معظم انقلاب در خصوص رسانه ملی، کرسی های آزاداندیشی و جلسات نقد و بررسی مثل «ارزومات و چالش های جوانگرایی در رسانه ملی» و «کارآمدی اقتصادی جمهوری اسلامی»، نشست هایی چون «برجام در بیست دقیقه»، «جوانان و تحول در رسانه»، «فقر رسانه در تمدن سازی اسلامی» و «پهانه های آمریکایی»، بازدید از مجموعه های چون «حوزه هنری» و شبکه های تلویزیونی، مطالبه گری از صداوسیما و مدیران رسانه ملی از طریق جلسات حضوری، نشست های خبری، بیانیه نویسی و مصاحبه با خبرگزاری ها و در آخر انتشار گاهنامه «نبض صداوسیما» و صفحات مجازی که به طور جدی در پی ارتقای فکر و قلم دانشجویان و انتقال نظرات آنان در خصوص برنامه ها و تولیدات مختلف رسانه ملی و مسائل کنشگری دانشگاهی بوده است.

بناظر عدم آگاهی و جهالتشان به شخصیت و پیشینه آن افراد است. فضای علمی، فرهنگی و سیاسی و فوق برنامه دانشگاه به کلی تغییر کرد. پای جشنواره ها و سینماگران و اندیشمندان بزرگ و شخصیت های خارجی به دانشگاه باز شد. ارتباط بد دانشگاه و سازمان طی جلسات و تفاهم نامه های مختلف خوب شد. رئیس دانشگاه به عضویت شورای معاونان سازمان درآمد پس از سال ها ناپدید بودن مجوز گرفتن یک تشکل در سازمان صداوسیما، تشکل جامعه رسانه اسلامی با طی روند قانونی مجوز گرفت. مجوزی که عصبانیت عده ای را در پی داشت. گویا از ترویج اندیشه های انقلابی و مطالبه گری دانشجویان در مسائل کلان سازمان صداوسیما منافعتان به خطر افتاده یا جایشان در دانشگاه تنگ شده است.

برای اثبات این مدعا و کم کاری های علمی و فرهنگی و سیاسی در دانشگاه صداوسیما در طول این سالیان همین بس که به اذعان دکتر علی عسکری رئیس صداوسیما در سال گذشته، رهبر معظم انقلاب وضعیت دانشگاه صداوسیما اظهار نگرانی کرده اند و فرموده اند: «اگر در این دانشگاه کار شده بود الان وضعیت ما خیلی بهتر بود». این صحبت در حالی است که در اردیبهشت ۷۷ ایشان نکات مهمی را به عنوان سرلوحه کار دانشکده آن وقت صداوسیما مطرح کرده بودند. ستوان این است دلیل این کم کاری بیست ساله چیست؟ بی توجهی مدیران سازمان، اساتید و مدیران دانشگاه یا مجموعه های دانشجویی مجوز دار در این مدت؟ جواب همه این گروه ها هستند. ما در جامعه رسانه اسلامی مدعی بر طرف کردن تمام مشکلات کشور و سازمان صداوسیما و حتی دانشگاه صداوسیما نیستیم.

۲

سنای آمریکا تحت فشار افکار عمومی «محمد بن سلمان» را عامل قتل خاشقچی معرفی کرد

پایان اصلاحات پوشالی سعودی و سکوت شیفتگان ایرانی

پول بادآورده نفتی که در اختیار داشت، با باج دادن به طرف های آمریکایی پایگاه خود را در عربستان مستحکم کند.

اینک با مورد پذیرش واقع نشدن اصلاحات دستوری جوان خام سعودی در جامعه ی سنتی و عموماً عشیره ای عربستان و رو شدن جنایت قتل روزنامه نگار منتقد عربستانی آمریکایی و رأی مجلس سنای کشور پشتیبانش یعنی آمریکا به محکومیت وی، عملاً اصلاحات پوشالی بن سلمان در عربستان به پایان خود رسید.

اینک جای طرح این پرسش است که چرا خیلی از افرادی که در ایران با ذوق و شوق این اصلاحات را پیگیری می کردند و هر روز تیتیری در مورد آن می زدند این روزها در قبال آن سکوت کرده و حاضر نیستند سخنی در باب شکست آن بر زبان بیاورند؟ امروز کسی نیست که ببرد سرانجام این اصلاحات چه شد؟ و چرا راه به جایی نبرد؟

اینان کسانی هستند که در کنار خود پرچم شیر و خورشید به نشان میهن پرستی گذاشته و در عین حال با کمال وقاحت در برابر خاندان سعودی دولاب راست می شوند و کرشم می کنند تا چند دلار بیشتر پول بگیرند.

بیشتر پول بگیرند. اینان دلت کسانی است که مدعی ایران و ایرانی بودن هستند. اینان هیچ بویی از ایرانیت، انسانیت، شرافت و کرامت نبرده و از اینکه نوکری آل سعود و سایر ایران ستیزان را می کنند ابایی ندارند و متأسفانه در فضای رسانه ای ایران نیز عده ای گویا زبانی برای پاسخ به اینان ندارند.

بار دیگر به عقب برگردیم. اصلاحات بن سلمانی را ببینیم و واکنش ایرانیانی که در طول چند سال گذشته مشتاقانه چشم به این اصلاحات دوخته بودند را جویا شویم. آیا آنان هنوز هم از این اصلاحات دفاع می کنند یا خیر؟

اما رفته رفته و بخصوص پس از قتل وحشتناک روزنامه نگار منتقد سعودی در سفارت خانه عربستان در ترکیه مشخص شد در پشت این چهره ی



اصلاح طلب یک جانی تمام عیار و یک فرد عقده مآب قرار گرفته است. بن سلمانی که در میان تمام فرزندان و نوادگان ملک عبدالعزیز در پایین ترین سطح و جایگاه قرار داشت و تا زمانی که پدرش به پادشاهی نرسیده بود هیچ جایگاه و موقعیتی در دربار نداشت و همین مسئله باعث شد که پس از به قدرت رسیدن، بسیاری از عموزاده هایش را که از او قدرتمندتر و شایسته تر بودند را خلع ید کند و با استفاده از میلیاردها دلار

عرفان رحیمی خراسانی: کارشناسی روزنامه نگاری



مجلس سنای آمریکا تحت فشار افکار عمومی و رسانه های جهان مجلس سنای آمریکا تحت فشار افکار عمومی و رسانه های جهان مجلس سنای آمریکا تحت فشار افکار عمومی و رسانه های جهان

مجلس سنای آمریکا تحت فشار افکار عمومی و رسانه های جهان مجلس سنای آمریکا تحت فشار افکار عمومی و رسانه های جهان مجلس سنای آمریکا تحت فشار افکار عمومی و رسانه های جهان

مجلس سنای آمریکا تحت فشار افکار عمومی و رسانه های جهان مجلس سنای آمریکا تحت فشار افکار عمومی و رسانه های جهان مجلس سنای آمریکا تحت فشار افکار عمومی و رسانه های جهان

در جلسه اعضای جامعه رسانه اسلامی با مدیر شبکه سه سیما مطرح شد
هر سه ضلع دانشگاه، دانشجو و شبکه در
برنامه نداشتن دانشجویان دانشگاه صداوسیما
در تلویزیون کم کاری داشته اند



تعدادی از اعضای جامعه رسانه اسلامی به مناسبت روز دانشجو با علی فروغی مدیر جوان شبکه سه سیما دیدار و گفتگو کردند. در این جلسه که بیش از دو ساعت به طول انجامید دانشجویان ضمن ابراز خرسندی از سپرده شدن مدیریت این شبکه مهم تلویزیون به یک مدیر جوان و انقلابی به طرح نظرات خود در رابطه با برنامه های این شبکه پرداختند. برنامه هایی چون حالا خورشید، برنده باش، نود و سرپال هایی چون حوالی پاییز محور بحث های دانشجویان بود. محمدحسین آزادی دبیر جامعه رسانه اسلامی ضمن برشمردن اهمیت رسانه ملی در جمهوری اسلامی، از نگاه های کوتاه مدت مدیریتی و تلاش برای جذب مخاطبان از طریق بکارگیری چهره ها، بی توجهی به عوامل روی صحنه و چهره سازی از عناصر نامطلوب، کم توجهی به نظرات رهبر معظم انقلاب اسلامی در برنامه هایی چون برنده باش، کم توجهی به برنامه ها و سرپال های هویت ساز، تناقض در آهنگ کلی برنامه ها و رشد تجمل گرایی و مصرف زدگی به واسطه برون سپاری تبلیغاتی انتقاد کرد. آزادی با ابراز گلایه از آنتن نداشتن دانشجویان دانشگاه صداوسیما در تلویزیون و شبکه سه از فروغی خواست تا به طور شفاف مطرح کند کدام ضلع از مدیران دانشگاه، مدیران شبکه ها و دانشجویان مقصر در این قضیه هستند.

فروغی با اشاره به توفیق شبکه سه سیما در جلب نظر مخاطبان در دوره مدیریتی جدید این شبکه از برنامه های آتی خود در تولید آثار فاخر از طریق سپردن تولید به نیروهای مستعد جوان اشاره کرد و گفت متأسفانه هر سه ضلع یاد شده در این موضوع کم کاری داشته اند و اگر دانشجویان اثر مناسبی تولید کنند از شبکه یخ می کشیم و جوان سازی تولید از اولویت های ماست. مدیر شبکه سه سیما اضافه کرد که برنامه های پر مخاطبی همچون بدون توقف و سرپال حوالی پاییز در جوانان کار اولی تولید کرده اند و مرکز تولید جوان به همین منظور ایجاد شده و در حال حاضر ۲۰۰ نفر در آن مشغول به تولید برنامه هستند.

طرح نظرات مهم استاد رحیم پور ازغدی در خصوص نقش رسانه در تمدن سازی دینی

فیلم فارسی دهه نودی نتیجه نگاه سیاه و سفیدی به رسانه دینی است



اخلاق یا در حوزه عرفان و معنویت یا در حوزه عقائد و معارف، مخاطب را یک یا چند گام به مفاهیم اسلامی و الهی نزدیک کند آن سینما و هنر به همان اندازه - نه بیشتر و نه کمتر- و در همان بعد - نه همه ابعاد - دینی است.

ایشان تقسیم بندی سینما به دینی و غیردینی به طور مطلق را مردود دانست و گفت: این تقسیم که سینما دینی است یا غیردینی اشتباه است و ما سینمای دینی و دینی تر و دینی ترتر داریم و غیردینی اش هم در عکس همین مسیر است. سینما دینی است، مثلاً اگر فیلمی ساخته شود که روی آمار طلاق و اعتیاد تأثیر بگذارد و خشونت و کینه و حرص را تضعیف کند و در مقابل روح فداکاری، برادری، عشق، عشق در خانواده، عشق بیرون خانواده، انصاف در بازار و هر آنچه که انبیا گفته اند را تقویت کند و به این سمت بیاورد و مخاطب احساس کند اخلاقی بودن، ارزش است و ضد اخلاقی بودن ضد ارزش است، این هم یک رده از هنر و رسانه ی دینی است.

رحیم پور ازغدی سیاه و سفید دیدن قضایا را موجب محال شدن سینمای دینی و تمدن شما ببرد شما شخصی دینی هستید یا غیردینی شما نمی توانید به این سؤال جواب دقیقی بدهید از جهاتی شما نمره خوبی در یک دیدن دارید از جهاتی نمره خوبی ندارید. یک حداقلی هم دارد.

ایشان نتیجه ترکیب نگاه سیاه و سفید در حوزه هنر و سینما را تولید فیلم فارسی های رژیم قبل به مدل امروزی و دهنه نودی دانست و گفت: بعضاً در آغازی که این روزها تولید می شوند، حرف هایی زده می شود که فیلم فارسی های رژیم قبل هم از گفتن آنها شرم داشت. این صحبت ها، بخشی از نظرات استاد رحیم پور ازغدی در خصوص نقش رسانه در تمدن سازی بود. روزنامه ای که به همت جامعه رسانه اسلامی در دانشگاه صداوسیما بر گزار شد.

همه بخش های زندگی انسان دانست و افزود: سینمای دینی هرچایی انسان هست حضور دارد، از بازار تا مدرسه و مغازه و دانشگاه و مقر حکومتی تا عشق و مغالزه با همسر.

رحیم پور سینمای دینی را مشروط بر مرزبندی میان مفاهیم دانست و گفت: سینمای دینی سینمایی است که در همه عرصه ها ترکیب و توازن و عدالت را درست نشان دهد و با شرک و کفر و ظلم و خیانت و دروغ مرزبندی کند. بین مفاهیم انسانی و غیر انسانی، مشروع و غیر مشروع مرزبندی کند.

ایشان با اشاره به ارتباط رسانه و اخلاق گفت: اخلاق منحصر به مجالس روضه که نیست، اخلاق را باید وسط مبارزات سیاسی، وسط بازار، در خانه، در خصوصی ترین روابط تا عمومی ترین و بین الملل ترین روابط نشان داد. عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی ارتباط رسانه و دین را مثل رابطه شیر و شکر دانست و گفت: چرا ما می گوئیم نگاه اسلامی به مسائل، نگاهی است که باید مثل شیر و شکر با هنر و رسانه و سینما در آمیخته شود نه مثل آب و روغن که هر کدام جداسازی باید شریعت ساخته شود، از همان آبی که همه استفاده می کنند باید همان آب را تغییر شیمیایی داد نه فیزیکی. فیزیکی را هر چند هم بزنیم وقتی دو ماده از هیجان افتادند از یکدیگر جدا می شوند. رسانه دینی و هنر دینی یعنی وارد همه عرصه هایی که انسان آنجاست و می خواهد انسانی زندگی کند بشود

بگوید هر جا هستی سر دوراهی هستی. اینگونه می شود تمدن سازی کرد یعنی تمدن سازی و نقش رسانه.

رحیم پور با اشاره به اهمیت بحث های فلسفی و معرفت شناسی مابین رسانه و سینما و هنر و مسیرهای انحرافی که گاهی طی می کند گفت: گاهی این بحث با بجای ایجاب راه که حل مسئله باشند خردش جزئی از مسئله می شوند. ایشان در این بخش به دو موضوع سؤال های غلط و نگاه سیاه و سفید نسبت به مسائل اشاره کرد و بیان داشت:

سؤال ها هم درست و غلط دارند فقط پاسخ ها نیستند که درست و غلط اند. الان خیلی ها فکر می کنند سؤال، درست و غلط ندارند و جواب است که یا درست است یا غلط. خیر بسیاری از سوالات غلط اند و غلط اند. وقتی سؤال غلط طراحی شود به جواب درست نمی رسد. سؤال غلط مثل این است که یک نفر دو سه تا پیش فرض غلط را به عنوان قطعی لحاظ کند و بر اساس آنها یک سؤال فرعی مطرح کند و مخاطب مجبور است بگوید آری یا نه در حالیکه نه می تواند بگوید «آری» نه می تواند بگوید «نه» چرا که اصلاً سؤال درست نیست. مثلاً از منظر مادی به انسان نگاه می کنند و بر این اساس سؤال طرح می کنند، خوب سؤال غلط است. ایشان با اشاره به نوعی دیگری از سوالات که با ایهام همراه اند گفت: بعضی سوالات هم غلط نیستند ولی میهم طراحی می

به گزارش نبض صداوسیما، نتیجه ترکیب نگاه سیاه و سفید به رسانه دینی، تولید فیلم فارسی های رژیم قبل به مدل امروزی می شود.

این جمله ای از استاد حسن رحیم پور ازغدی اندیشمند برجسته کشور و عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی در دانشگاه صداوسیماست.

رحیم پور ازغدی در این بخش، سخنانش را با نقد نگاه انفکاک و گزینشی نسبت به مفاهیم دینی در تولیدات هنری آغاز کرد. ایشان ضمن اشاره به وجود نگاه های متفاوت و متناقض نسبت به هنر و رسانه و به تبع آن سینما و فضای مجازی گفت: در کشور ما، وقتی از جریان غرب پرسند، غرب باور، غرب گرا و غرب زده که چهار درجه هستند، به لحاظ مفهومی، موضوعی و مصداقی در خصوص سینمای انقلاب اسلامی، سینمای دینی و تمدن اسلامی سؤال می شود یا معنای آن رانمی فهمند و یا مسخره می کنند یا اگر ریاکار و نان به نرخ روز خور باشند و از بودجه نهادهای حکومتی ارتزاق کنند، چند تا مترسک مذهبی و ظواهر و شعار دینی مثل ریش و حجاب و آش نذری و دیگر هم زدن و شبیه خوانی را در آثارشان نشان می دهند. ایشان با انتقاد از تقسیم بندی روزها به مذهبی و غیرمذهبی در تلویزیون گفت: خود این تقسیم روزها به مذهبی و غیرمذهبی یک تقسیم بندی سکولار است، ما روز مذهبی و روز غیرمذهبی نداریم، همه روزها در یک راستا هستند. رحیم پور افزود: فیلم های به اصطلاح مذهبی که در تلویزیون نشان می دهند معمولاً مجلس روضه یا شبیه خوانی و این جور چیزهاست، فکر می کنند این محیط و مکان و زمان ظرف مذهب اند و بقیه هم مسائل غیرمذهبی است. وقتی می خواهند بر روابط دختر و پسر کلاه شرعی بگذارند دوست دختر و دوست پسر را مذهبی می کنند و با هم دیدگ اش هم می زنند. این استاد برجسته، سینما و هنر دینی را ناظر به

تلاش جدی و همه‌جانبه برای غلبه دادن گفتمان انقلاب در دانشگاه

کار عمقی روی مفاهیم اسلامی

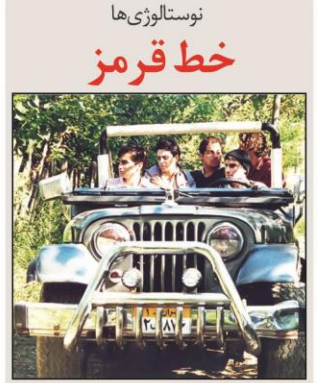
پرهیز از سطحی نگری

- پرهیز از شعارهای به ظاهر اسلامی و باطن غیر اسلامی
- قراردادن سطح معرفت در حد سایت ها و روزنامه ها

پرهیز از شعارهای به ظاهر اسلامی و باطن غیر اسلامی
قراردادن سطح معرفت در حد سایت ها و روزنامه ها

ارتقای سطح معرفت دینی

- انتخاب روش های مطالعاتی و برگزاری جلسات بحث، کنفرانس و ...
- مطالعه کتاب های معارف اسلامی
- مراجعه به فضلا و آثار اندیشمندی چون شهید مطهری
- تدبیر در ادعیه مانند صحیفه سجادیه
- انس با نهج البلاغه و کلمات امیرالمؤمنین
- انس با قرآن و تدبیر در قرآن



نوستالوژی‌ها
خط قرمز



محسن علیخانی ::
کارشناسی از شد مدیر بیت رسانه

به امید به هوای تازه‌تر
گفتم از رفتن و خوندیم از سفر
می‌خواستیم مثل پرندها باشیم
اسمونو حس کنیم با پرندیم
مانه اینجا سراب غریبه
سهمون به کوله بار حسرت
ترانه‌ای که مرحوم افشین پدلهای برای تیتراژ این
مجموعه نوشت حرف حساب سریال ۲۵ قسمتی
خط قرمز است. چند دانش آموز دبیرستانی که برای
قرار از مشکلات زندگی خانوادگی و شخصی از خانه
قرار کرده‌اند، در هم جمع می‌شوند و با هدف سفر
به سوی آرمان‌ها و خواسته‌های خود با به راهی با
مقصد نامعلوم می‌گذارند. در این بین با شخصی به
اسم ناصر (شهرام حقیقت‌دوست) آشنا می‌شوند که
او نیز مشکلات خانوادگی دارد البته او دستی در
خلاف نیز دارد. جوان‌هایی که به هدف رسیدن به
آرزوهایشان خانه را ترک کرده بودند درگیر مسائل و
مشکلاتی می‌شوند که کم‌کم از فرارشان پشیمان می
شوند. این سریال یکی از سریال‌های پر مخاطب
تلویزیون در اوایل دهه ۸۰ است. شبکه سوم سیما که
مخاطبان اصلی آن جوانان هستند دست به کاری
تقریباً جسورانه زد و به مسائل و مشکلات عینی
جوانان پرداخت. مسئله‌ای چون ایزد که تا آن زمان
جزو تابو بود در این مجموعه مطرح شد. همچنین
از دوای مجدد پدرها نیز مورد توجه قرار گرفت و با
نگاهی نو به این مسئله پرداخته شد. قاسم جعفری
کارگردان این اثر، در دهه ۸۰ پر کار بود و آثار او مورد
اقبال عموم نیز قرار می‌گرفت. از دیگر کارهای موفق
او می‌توان به مسافری از هند، کمکم کن و غریبانه
اشاره کرد. طبق نظرسنجی‌های سازمان صدا و سیما،
مسافری از هند با ۹۶٪ رأی‌دهنده‌ترین سریال
پس از انقلاب در تلویزیون بوده است. هم چنین خط
قرمز ۹۰٪ و کمکم کن ۹۴٪ رأی‌دهنده داشته‌اند.
بازگویی که او در این سریال از آن‌ها استفاده کرد
بعدها چندان موفق نشدند. شاید شناخته‌ترین آنها
شهرام حقیقت‌دوست است که بعدها خودش را به
عنوان یک بازیگر تثبیت کرد. سروش گودرزی خیلی
نتوانست پایدار کار کند و هر از چندگاهی در سریال
هایی بازی کرد. از جمله پیامک از دیار باقی و
مسافری از هند. پوزا ایمنی بازی در سریال را ادامه
داد و آخرین کارش سریال دلدادگان بود که چندی
پیش از شبکه سه پخش شد. شهرام عبدلی و مهسا
کرامتی نیز بازیگری را ادامه دادند هر چند خیلی
موفق نشدند. ایمان اشراقی بازیگری را رها کرد و
پزشک شد و علی منصوری هم آهنگساز شد.
خط قرمز نمونه بارز اعتماد به جوانان است. قاسم
جعفری که در زمان پخش سریال حدوداً ۳۲ ساله
بود توانست جسورانه با عبور از تابوهای سنتی غیر
معتاد، روی خط قرمز حرکت کند ولی آن را رد
نکرد. شاید خط قرمز بهترین عنوانی است که برای
شخص قاسم جعفری می‌توان انتخاب کرد. مدیران
ما تا جوان نباشند، احتیاط سروسره کار آن‌ها خواهد
بود. احتیاط هیچ وقت پیشروی ندارد، روحیه
جوانی است که به انسان جسارت و شجاعت در کارها
را می‌دهد. هنوز هم مخاطبان ما نشسته‌های نو و
جذاب‌اند. مخاطب احتیاط را نمی‌پسندد. احتیاط
اضافی، سوزها و قصه‌ها را تکراری می‌کند. بلایی که
امروز بر سر هنر ما آمده است. به امید ظهور خط
قرمزهای دیگر و قاسم جعفری‌های دیگر.

نابایدها

- پرهیز از برگزاری اردوی
- پرهیز از حضور عناصر نامطمئن
- پرهیز از تکرارهای بی‌هدف
- پرهیز از تکرارهای بی‌هدف
- پرهیز از حرف‌های من‌درآوردی
- پرهیز از حرف‌های من‌درآوردی
- پرهیز از تکرارهای بی‌هدف
- پرهیز از تکرارهای بی‌هدف

دانشجو

- دین و تعبد
- استفاده از حضور
- استفاده از حضور
- استفاده از حضور
- استفاده از حضور
- استفاده از حضور
- استفاده از حضور
- استفاده از حضور

جذب‌بنده

- استفاده از حضور
- استفاده از حضور
- استفاده از حضور
- استفاده از حضور
- استفاده از حضور
- استفاده از حضور
- استفاده از حضور
- استفاده از حضور

بایدها

- استفاده از حضور
- استفاده از حضور
- استفاده از حضور
- استفاده از حضور
- استفاده از حضور
- استفاده از حضور
- استفاده از حضور
- استفاده از حضور

ویژگی‌های موردنیاز

- آرمان‌گرا - واقع‌بین - انقلابی - پیرو امام - شجاع و صریح - متدین - متعبد - منتقد منصف - باقران - باسواد - دارای روحیه جهادی - دارای نگاه راهبردی - با برنامه - مردمی - دارای مطالعه - با بصیرت - حساس به مسائل ملی و بین‌المللی - جوان‌پسند - دارای حس صدر سیاسی - اهل منطق و گفت و گو - اهل مراقبه - اهل تعامل با سایر تشکلات ها و ...

دنیال شوند

- شعارها و اهداف انقلاب اسلامی
- رسیدن به جامعه‌ای عادل، آزاد، پیشرفته، مؤمن، متعبد، مرفه، متحد، قوی و مستحکم و مستقل
- سبک زندگی ایرانی اسلامی - تشکیل یک جبهه‌ی واحد ضد امریکایی ضد صهیونیستی - تبیین اقتصاد مقاومتی - اردوهای جهادی - مسئله زن در غرب

گریان‌گیری موسیقی با فرمالیسم

انواع موسیقی را بلد نیستند فقط به صرف یک آهنگ اسمشان بر سر زبان‌ها می‌افتد و معروف می‌شوند و حتی با افتخار از این موضوع یاد می‌کنند.
اینکه ما بیایم چند کلمه را ریتم بدیم بدون آنکه معنا و مفهومی داشته باشد ما دچار فرمالیسم شده‌ایم. فرمالیسم برای همه انواع موسیقی زیان آور است چون باعث این می‌شود که با زیبا شدن شکل ظاهری موسیقی مخاطب از مفهوم اصلی موسیقی جدا کند و روح اصلی موسیقی که همان

انواع دیگر هنر بیشتر باشد. یک موسیقی یونان می‌تواند افراد را به خنده و یا گریه بیاورد، این تاثیر زمانی رخ می‌دهد که موسیقی ما به غیر از ریتم و ملودی دارای یک درون مایه‌ی مفهومی هم باشد این شکل به این منظور نیست که حال بیایم حرف ساختاری را رعایت نکنیم خیر منظور آن است که همه ابعاد باهم رعایت شود؛ موسیقی خوب و ارزشمند است که هر دو عنصر را با هم دارا باشد. حال اگر مخاطب ما توجهی به این دو عنصر نداشته باشد یا فقط یک عنصر توجه داشته باشد در جامعه خواننده‌هایی به وجود می‌آیند که حتی ابزار

متن موسیقی است را به حاشیه ببرد. اگر توجه شود در موسیقی سنتی و قدیمی ما این نکته به خوبی مورد توجه قرار گرفته است که جدای از شکل ظاهری متن موسیقی هم حفظ می‌شود. و در آخر هنرمند هنرمند کسی است که هنگام خلق شعر و موسیقی آگاهانه و زیرکانه علاوه بر شکل ظاهری، مفهوم را هم در متن بگنجانند و از این طریق باعث جذب مخاطب شود.

انواع موسیقی را بلد نیستند فقط به صرف یک آهنگ اسمشان بر سر زبان‌ها می‌افتد و معروف می‌شوند و حتی با افتخار از این موضوع یاد می‌کنند.
اینکه ما بیایم چند کلمه را ریتم بدیم بدون آنکه معنا و مفهومی داشته باشد ما دچار فرمالیسم شده‌ایم. فرمالیسم برای همه انواع موسیقی زیان آور است چون باعث این می‌شود که با زیبا شدن شکل ظاهری موسیقی مخاطب از مفهوم اصلی موسیقی جدا کند و روح اصلی موسیقی که همان



شمشیر، انحراف، اصلاح

ایزید سوم:
در همان سه شنبه ۱۳ آذر چهل سال بعد از انقلاب اسلامی! جلسه ای با حضور نمایندگان اتحادیه های دانشجویی (به اینکه در تشکلات جامعه رسانه چند ماه برای این جلسه تلاش کردیم دست آخر هماهنگی این جلسه به نهاد نمایندگی رهبری در دانشگاه ها سپرده شد و این مهم را در تریبون ملی خود به نمایش بگذارند، هرچند جلسه اخیر خود گامی رو به جلو بود و به توجه به نبود چنین رویکرد هایی در رسانه ملی جای تقدیر دارد اما مسئولین رسانه ملی باید بدانند که شمشیر نظام هستند برای راست کردن کجی های نظام و برای این کار باید خود وجود اینکه تاکید رهبری بر حضور مسئولان در بین جمع های دانشجویی و دانشجویان است نه صرف کشیدن دانشجویان در روز دانشجو پشت درب اتاق آقایان که این خود آسیب هایی را مترتب می شود و مانع تاثیر حداکثری این نشست ها می شود هرچند با نگاه به گذشته و نبود این نوع جلسات در ارتباط با سازمان

ایزید سوم:
در همان سه شنبه ۱۳ آذر چهل سال بعد از انقلاب اسلامی! جلسه ای با حضور نمایندگان اتحادیه های دانشجویی (به اینکه در تشکلات جامعه رسانه چند ماه برای این جلسه تلاش کردیم دست آخر هماهنگی این جلسه به نهاد نمایندگی رهبری در دانشگاه ها سپرده شد و این مهم را در تریبون ملی خود به نمایش بگذارند، هرچند جلسه اخیر خود گامی رو به جلو بود و به توجه به نبود چنین رویکرد هایی در رسانه ملی جای تقدیر دارد اما مسئولین رسانه ملی باید بدانند که شمشیر نظام هستند برای راست کردن کجی های نظام و برای این کار باید خود وجود اینکه تاکید رهبری بر حضور مسئولان در بین جمع های دانشجویی و دانشجویان است نه صرف کشیدن دانشجویان در روز دانشجو پشت درب اتاق آقایان که این خود آسیب هایی را مترتب می شود و مانع تاثیر حداکثری این نشست ها می شود هرچند با نگاه به گذشته و نبود این نوع جلسات در ارتباط با سازمان



طرح از: محمدحسین آزادی

محیا احمدی :: کارشناسی روزنامه نگاری

چند وقتی است که فرمالیسم یا به عبارتی توجه به شکل و صورت و آهنگین بودن شعر در موسیقی دیده می‌شود، این مفهوم به این معناست که با پیشرفت صنعت و ابزار موسیقی می‌توان به هر متنی یک شکل و آوایی داد، به طوری که این روش، مفهوم و متن را به حاشیه برده؛ گاهی هیچ اثری از مفهوم در اشعار دیده نمی‌شود و فقط ریتم و آوا به گوش می‌رسد غافل از آن که ماهیت شعر و موسیقی با مفهوم پدیدار می‌شود، در بسیاری از موارد دیده شده موسیقی اثری روی ذهن و روح افراد می‌گذارد که شاید از

امیر موسیوند :: کارشناسی ارشاد ارتباطات

ایزید اول:
چند ماه بیشتر از عمر انقلاب اسلامی نگذشته است که رهبر انقلاب و بزرگ مرجع تقلید شیعیان در سخنرانی خود می‌گوید: همه ملت موظفند که نظرات کنند بر این امور. نظرات کنند اگر من یک پیام را کنار گذاشتم، کج گذاشتم، ملت موظف است که بگویند پایت را کج گذاشتی، خود را حفظ کن... توجه داشته باشند که مبدا من یک وقت یک کلمه برخلاف مقررات اسلام بگویم. اعتراض کنند، بنویسند، بگویند... در صدر اسلام هست که عمر وقتی که گفت - در منبر بود - که اگر من یک کاری کردم شماها چه بکنید، یک عربی شمشیرش را کشید گفت ما با این، با این شمشیر راست می‌کنیم باید اینطور باشد، باید مسلمان اینطور باشد که اگر - هر که می‌خواهد باشد، خلیفه مسلمین و عرض بکنم هر که می‌خواهد باشد - اگر دید پایش را کنار گذاشت، شمشیرش را بکشد که پایت را راست بگذارد.
ایزید دوم:
۱۳ آذر چهل سال بعد از انقلاب اسلامی، سر کلاس بنا بر عادت (!) به دور از چشم استاد به طلکارام ناخنکی می‌زنم! بیشتر کاتال‌هایی که در آن عضو هستم یک خبر را کار کرده اند: بیانات رهبر انقلاب درباره قانون منع



طرح از: محمدحسین آزادی

هشدار به ورود نگاه‌های سکولار در تلویزیون

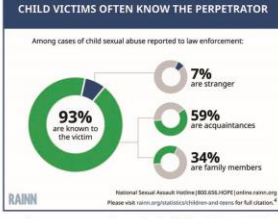
تلویزیون ایران، از «من و تو» تا «من و شما»



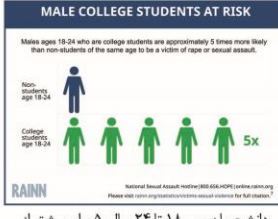
آمریکای ۲۰۱۶: (منبع: دفتر جرم سازمان ملل)



از هر ۶ زن یک زن مورد اقدام به تجاوز جنسی هستد که ۸۹ درصد آن‌ها قربانی جنسی شده اند



۵۹ درصد از کودکان قربانی تجاوز جنسی توسط آشنایان و ۳۴ درصد آن‌ها توسط اعضای خانواده مورد آزار قرار گرفته اند



دانشجویان پسر ۱۸ تا ۲۴ سال، ۵ برابر بیشتر از پسران هم سن خود که محصل نیستند در معرض خطر تجاوز جنسی قرار دارند

رفع عواقب وخیم آن توصیه به همراه داشتن وسایل بهداشتی می‌کند! اما این آموزش‌های به ظاهر زیبا و لازم چه ماهیتی دارند؟

دوستانه، باصالت‌بخشین به بعد دنیوی زندگی انسان، وی را از هرگونه توجه به ابعاد روحی و معنوی اعمال بازمی‌دارد!

لذا ایشان توصیه می‌کند که با این جملات، فرزندان را از ارتکاب این عمل باز دارند: «هیچ فکر کردی مردم راجع به تو چه فصولتی می‌کنند؟ می‌دانی که رفتارهای اجتماعی تو تاثیر منفی می‌گیرند؟ می‌دانی مردم می‌توانند تو را قضاوت‌بکنند؟»

چنین محتوای آموزشی شیک، صلح‌آمیز و به ظاهر زیبا با این عبارت که «بایم برای انداز فرزندانمان، از دین و ارزش‌های معنوی هزینه نکنیم» ظاهراً توجیهی معقول دارد اما در اصل خالی بودن اعمال و رفتار فرزندان از ابعاد روحی و تاثیرات جلودان بر روح انسان را تئوریزه می‌کند که بسیار خطرناک است!

ناحرت‌کننده آن‌جا که حتی از نظر ایشان خودارضایی به دو دسته سالم و ناسالم تقسیم می‌شود یعنی دسته‌ای از خودارضایی هست که می‌تواند سالم باشد! گناه کبیره‌ای که قارغ از آثار جسمی و روحی ناپود کننده‌ای که دارد و طبق روایات، عرش الهی را به لرزه در می‌آورد، می‌تواند سالم هم باشد!

در جای دیگری ایشان بیان می‌کند که «به نظر من دوستی دختر و پسر بحران نیست! بحران، به همراه نداشتن وسایل بهداشتی مقاربتی (کاندوم) توسط فرزندان است!»

حیرت‌انگیز را از جامعه‌ای که از منظر سند ۲۰۳۰ حائز شاخصه‌های پیشرفت و توسعه جهانی است را مطالعه کنیم!

عبارت «دوست دختر» و «دوست پسر» که بگذریم؛ نهادینه کردن یک برهان احساسی و اخلاق مدرنیستی به جای برهمن مستدل و محکم دینی آن هم در رسانه‌ای اخلاقی شگفت‌انگیز است!

امادر میبخت خودارضایی صحبت‌ها جالب تر است! جان کلام ایشان این است که چرا فرزندانمان را با اهرم دین و ترس عقوبت اخروی از این عمل باز داریم! بهتر است از جهت سلامت فرد برای ترک این عمل اقدام کنیم!

گویی این عمل قبیح صرفاً یک بُعد آسیب جسمانی دارد و به روح انسان که بعد اصیل و مانای اوست خدشه - ای وارد نمی‌آورد!

به طور کلی عرصه‌ی اخلاق سکولار در پوششی آراسته از قانون مداری و زندگی شیک و انسان‌پسند، وی را از هرگونه توجه به ابعاد روحی و معنوی اعمال بازمی‌دارد!

لذا ایشان توصیه می‌کند که با این جملات، فرزندان را از ارتکاب این عمل باز دارند: «هیچ فکر کردی مردم راجع به تو چه فصولتی می‌کنند؟ می‌دانی که رفتارهای اجتماعی تو تاثیر منفی می‌گیرند؟ می‌دانی مردم می‌توانند تو را قضاوت‌بکنند؟»

چنین محتوای آموزشی شیک، صلح‌آمیز و به ظاهر زیبا با این عبارت که «بایم برای انداز فرزندانمان، از دین و ارزش‌های معنوی هزینه نکنیم» ظاهراً توجیهی معقول دارد اما در اصل خالی بودن اعمال و رفتار فرزندان از ابعاد روحی و تاثیرات جلودان بر روح انسان را تئوریزه می‌کند که بسیار خطرناک است!

ناحرت‌کننده آن‌جا که حتی از نظر ایشان خودارضایی به دو دسته سالم و ناسالم تقسیم می‌شود یعنی دسته‌ای از خودارضایی هست که می‌تواند سالم باشد! گناه کبیره‌ای که قارغ از آثار جسمی و روحی ناپود کننده‌ای که دارد و طبق روایات، عرش الهی را به لرزه در می‌آورد، می‌تواند سالم هم باشد!

در جای دیگری ایشان بیان می‌کند که «به نظر من دوستی دختر و پسر بحران نیست! بحران، به همراه نداشتن وسایل بهداشتی مقاربتی (کاندوم) توسط فرزندان است!»

حیرت‌انگیز را از جامعه‌ای که از منظر سند ۲۰۳۰ حائز شاخصه‌های پیشرفت و توسعه جهانی است را مطالعه کنیم!

محمد رضا فرزادهمر:



کارشناسی ارشد مدیریت رسانه
 حال و روز این روزهای تلویزیون ایران نگفتنی است! رسانه‌ای که چندبست علاوه بر رقبایی گردن کلفت در فرخ بخشی و جذب مخاطب، با حواشی بسیار عوامل خود در آنتن دست به گریبان است!

در تمام رسانه‌هایی که با رادیو و تلویزیون ایران، تقابل استراتژیک دارند، برنامه‌هایی جذاب با نوعی رویای سرگرمی اما زیربنای کاملاً جهت‌دار و طراحی شده روی آنتن می‌رود! یعنی محض سرگرمی هدف آنتن نیست!

تلویزیون «من و تو» را در نظر بگیرید! در جای‌جای برنامه‌های آن، نوعی تساهل و اباحه‌گری به چشم می‌خورد که در صداست روح معنوی و اخروی را از اعمال انسان زوده و به ابعاد دنیوی رفتار او به طور مکرر تأکید کند. پدیده‌ای که تحت عنوان اخلاق مدرن یا اخلاق سکولار از آن یاد می‌گردد!

برای مثال وقتی در «بفرمایید شام»، خانمی متأهل با پوششی نیمه‌عریان در میان ۳ نفر از دوستان مرد متأهل خود در حالی که یک گلیاش و دُکا در دست دارد از خاطرات حج پارسی می‌گوید؛ در ذهن بیننده به وضوح اخلاق عاری از معنویت تئوریزه می‌شود!

اخیراً اما رگه‌هایی از اباحه‌گری در تلویزیون جمهوری اسلامی به چشم می‌خورد که قدر مسلم در سیمای بعد از انقلاب مسبوق به سابقه نیست!

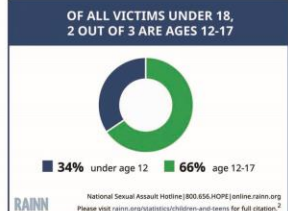
وقتی خانم کارشناسی در یک برنامه تخصصی شبکه سلامت برای آموزش تربیت جنسی فرزندان، سخنانی اینگونه صادر می‌کند بیشتر متوجه رسوخ چنین تفکری در برنامه‌سازی خواهیم شد:

۱۲۰ نوع دوستی وجود دارد. پس الزاماً هر نوع رابطه‌ی دو جنس مخالف در سنین نوجوانی متخوم به مسائل جنسی نیست. مثلاً چنانچه فرزند پسر ما بر حسب تمایل یا شیطنت اقدام به لمس دختر عموی خود کرد نباید آن را حمل بر تمایل جنسی او و او را تنبیه کرد. باید با این منطق با او صحبت کنیم که: ممکن است او دوست نداشته باشد لمسش کنی!

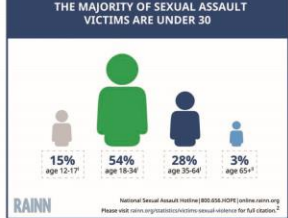
اگر دقت کنیم ایشان در لاف‌های گویید منطق خودداری از این کار الزاماً حدود شرعی و باکی نیست!

در ادامه می‌افزاید: «طبق همین اصل رعایت حرمت متقابل، اگر پسر شما دوست دختری هم داشته باشد باید بداند که نمی‌تواند بدون اجازه به دوستش دست بزند!»

از اثر رسانه‌ای و ذهنی صرفاً تکرار بدون قیج



دو سوم قربانیان جنسی زیر ۱۸ سال، سنی بین ۱۲ تا ۱۷ سال دارند



در بین قربانیان جنسی، ۴۵ درصد ۱۸ تا ۲۴ سال و ۲۸ درصد ۲۵ تا ۳۴ سال سن دارند

Every 11 minutes, child protective services substantiate, or find evidence for, a claim of child sexual abuse.

در هر ۱۱ دقیقه یک مورد آزار جنسی کودکان گزارش می‌شود

Every 98 seconds, an American is sexually assaulted.

هر ۹۸ ثانیه، یک آمریکایی مورد تجاوز جنسی قرار می‌گیرد

این فقط گوشه‌ای از وضع اخلاقی جامعه‌ای است که اباحه‌گری و اخلاق سکولار توسط رسانه‌های آن نهادینه شده ولی برای بعضی از مردم و مسئولین جامعه ما قبله‌آمال و آرزو سنا!

قدر مسلم، بخش موسیقی‌های زننده‌ای که حتی از امثال خواننده‌های اس آنجلسی هم بعید به نظر میرسد تا گفتگوهای به شدت زرد و سطحی و غیر اخلاقی در برنامه‌های گفتگو محور و هم چنین حرمت‌زایی از نقش‌ورین پدر و مادر توسط فرزندان و سخن‌بیز پرده‌از روابط غیر شرعی بین دختر و پسر در فیلم و سریال تلویزیون، همه و همه از سیاست مباح‌اندیشی در رسانه‌های می‌گیرد!

از بی ادبی و وقاحت «من و شما» تا بی حیایی «من و تو» فاصله‌ای به اندازه‌ی اباحه‌گری است!

چرا رسانه ملی به تربیت عوامل روی صحنه بی توجهی می‌کند؟

بی توجهی به در دیدترین عنصر تلویزیون



محمدحسین آزادی:



کارشناسی ارشد علوم ارتباطات
 برنامه‌از یک چهره منتقد و شناخته شده مسعود فراسی دعوت می‌کند و مجری برنامه (آرش ظلی پور) انتقادات وی را برنمی‌تابد و با ادبیات غیر قابل قبولی همچون «خودشفتنه» و ورود به مسائل شخصی

هر دو مورد با واکنش گسترده کاربران شبکه‌های اجتماعی همراه شد و موجی از انتقاد روانه تلویزیون و مدیران شبکه‌های یک و شما کرد. مدیران شبکه و عوامل برنامه نیز با یک عذرخواهی سعی در فرونشاندن اعتراضات عمومی کردند.

از نقش رسانه در ارتقای فرهنگ و ارائه مطلوب ترین شیوه رفتار فردی و اجتماعی و به طور عام ترویج سبک زندگی صحیح که بگذریم، از موضوع مهم «عوامل روی صحنه» نمی‌توانیم به راحتی عبور کنیم. آخر تا کی قرار است تلویزیون شاهد حضور مجریان و بازیگران نامطلوب این چنینی باشد و به خاطر جلب نظر اسپانسرهای و دریافت پول هر کسی را با کمترین ملاک‌های اجتماعی و فرهنگی روی آنتن ببرد!

عوامل روی صحنه همواره از دغدغه‌های جدی رسانه

تبعات چندتویت



وحدی یامین پور مجری تلویزیون در صفحه اینستاگرامش از ممنوع‌التصویری‌اش بعد از انتشار توییت‌های انتقادی به عدم اجرای کامل قانون منع بکارگیری بازیکنان در رسانه ملی خبر داد

در هفته‌های اخیر حاشیه‌های مربوط به ادامه کار مدیران بازنشسته در صداوسیما یکی از جنجال‌های اصلی فرهنگ کشور بود. در این میان برخی از چهره‌های جوان فعال در رسانه‌های ملی به انتقاد از ادامه حضور مدیران بازنشسته در مناصب مدیریتی پرداختند. پس از آن برخی از رسانه‌ها از ممنوع‌التصویری این چهره‌ها متذکر خبر دادند. این موضوع تأیید یا رد نشد تا اینکه وحدی یامین پور که یکی از چهره‌های منتقد به عدم اجرای کامل قانون منع بکارگیری بازیکنان در رسانه ملی بود در صفحه اینستاگرامش از ممنوع‌التصویری خود خبر داد و گفت: «مضحکه همان اعضای بازنشسته تصمیم گرفتند هر کس اجرای قانون منع بکارگیری بازیکنان را مطالبه‌کننده ممنوع‌التصویر کنند. واقعا که این مدیران جایگزین ندارند!». یامین پور همچنین گفته است: «متأسفانه برنامه‌ای که چهارماه دوستان برایش زحمت کشیدند و بنا بود از آذرماه پخش بشه به همین دلیل کنسل شده. برخی مدیران صداوسیما هم غیررسمی به من گفتند که شورای معاونان تصمیم گرفته با شما برخورد کنه. به هر حال مدیران سازمان تصمیمات آنی و این چنینی زیاد دارند. ولی ما راه خودمون رو میریم».

یادداشتی در باب نشست پرسش و پاسخ دانشجویان با رئیس دانشگاه

اسیر تفکرات مسموم نشویم

فاطمه اسماعیلی:
کارشناسی ارشد روانه نگاری



عمر دانشجویی ام در این دانشگاه ۱۰۰ روزه شده؛ مدتی است مسیر کلاس‌ها و ورود و خروج را در جایی که معماری عجیبی دارد و همه اضلاعش شبیه به هم اند را یاد گرفته‌ام و از پیچ و خم‌های پیدا و پنهان اداری و آموزشی مطلع شده‌ام و تقریباً با هر دانشجوی قدیمی تری که صحبت کرده‌ام از فضای اداری، مغموم، روخت زده و غیر قابل انعطاف دانشگاه گلایه کرده است.

اخیراً در نشست صمیمی دانشجویان با رئیس دانشگاه که به مناسبت روز دانشجوی ترتیب داده شده بود یک مورد عجیب دیگر هم شنیدم و آن این بود که برخی تشکل‌های دانشجویی از دانشجویان جدیدالورود سوءاستفاده کرده و از آنها در اجرای برنامه‌هایشان کمک می‌گیرند! شاید هنوز برای قضاوت زود باشد؛ اما امیدوارم هیچ‌گاه اسیر تفکرات مسمومی از این دست که مانع فعالیت‌های فرهنگی که زیربنای ارتقای دانشگاه و زمینه‌ساز رشد جنبه دانشجویان در ابعاد اجتماعی و سیاسی است، نشویم. تربیت دانشجویان مسلمان، متخصص، پویا، بالنده و متکی به خود که بتوانند در محیط فکری و فرهنگی جهان امروز، ببینش خود را حفظ و ترویج کنند ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است و قطعاً حرکت در این مسیر باید از مجاری تشکل‌ها، کانون‌ها و انجمن‌های علمی صورت بگیرد و دانشگاه تنها نقش کاتالیزور و پشتیبان را ایفا کند. در واقع دانشگاهی که قرار است مبدا تحول باشد نمی‌تواند تنها به بعد آموزش و ارتقای علمی بسنده کند و باید برای تقویت مهارت‌های اجتماعی و پرورش نیروی انسانی توانمند برنامه‌ریزی کند و به دانشجویان میدان بدهد بدون شک در این مسیر برخورد‌های سلیقه‌ای، تفاوت در بینش‌ها و نگاه‌های سیاسی، کمبود بودجه و امکانات سخت‌افزاری و دهها مشکل غیرقابل پیش‌بینی دیگری وجود دارد اما در نهایت خود دانشجویان است که باید راه‌های عبور از محدودیت‌ها و موانع را پیدا کنند.

برخلاف عقیده دانشجویان پیشکسوت، دانشگاه صداوسیما در سال تحصیلی جدید با حضور دانشجویان با انگیزه‌اش، فضایی زنده و پویا دارد، برنامه‌های خوبی توسط مجموعه‌های دانشجویی در حال تدارک و اجراست که می‌توان به آنها برای رشد و تعالی دانشگاه امیدوار بود و فارغ از هر گونه هیاهو، جنجال، بغض و حاشیه‌سازی برای تشکل‌ها می‌توان برای اجرای برنامه‌های متنوع در سطوح مختلف برنامه‌ریزی و برای اجرای آن مشارکت کرد.

هر چند شکی نیست که مجموعه مدیران دانشگاه باید از ایده‌های خلاقانه دانشجویی استقبال و حمایت کنند و در برابر کم‌کاری‌های احتمالی پاسخگو باشند و کمک کنند تا دانشجویان در عرصه‌های مختلف آزمون و خطا کنند، یاد بگیرند، بر تجرب خود بیفزایند و برچم دانشگاه را در جامعه علمی و سپهر رسانه ای کشور بالا ببرند.

منازای طبل تو خالی دلم حیران نخواهد شد

گزارش نبض صداوسیما از تلاش برخی از دانشجویان حاضر در جلسه پرسش و پاسخ با ریاست دانشگاه برای تخریب جامعه رسانه اسلامی



موجودیتشان را اثبات کنند! به ضرب المثل جوینده یابنده است معنای تازه ای بخشیده اند و گمان می‌کنند اتهام؛ زنده یابنده ست ولی کاش حداقل بدانند که به راه باده رفتن به از نشستن باطل.

تضارب آرا و چند صدایی در هر فضایی موجب اعتدالی فکری و پیشبرد اندیشه‌هاست. بالاخص در دانشگاه که فضای نخبگانی حاکم بر آن همیشه اقتضا میکند جلوتر از جامعه خویش حرکت کند ولی این تعامل اندیشه در جایی شکل می‌گیرد که تحمل شنیدن صدایی غیر از صدای خود را داشته باشیم و مطالبات خود را در فضای اخلاقی و به دور از کینه جویی و حسادت و تخریب دنبال کنیم.

در انتها باید اشاره کنیم که درب اتاق جامعه رسانه اسلامی به روی همه ی منتقدین و پرسشگرانی که دغدغه ی آگاهی و دانستن دارند، گشوده است و با اینکه بارها و بارها درباره ی مسائلی چون چگونگی تشکیل آن و تخصیص اتاق و سایر موارد بطور کامل روشنگری شده ولی بازهم آمده ی پاسخگویی برای افرادی که منطق و استدلال را می‌پذیرند و گوش‌های شان بر سخن حق شنواست، هستیم و به تخریب گران می‌گوییم: منازای طبل تو خالی دلم حیران نخواهد شد

معتمدند تشکل رسمی جامعه رسانه اسلامی که فعالیت‌های پرشماری در دانشگاه دارد ۱۰ نفر بیشتر عضو ندارد! مشخصاً راحت‌ترین کار نشستن پشت تریبون و اتهام زنی است اثبات کردند هم اهمیتی ندارد. در همین حد که بتوان فضای یک جلسه را مشتعل کرد و آذرنالین خون جمعیت را بالا برد برایشان کفایت میکند. ولی تشکلی که تنها با ۱۰ عضو! بهترین و پرمخاطب‌ترین برنامه‌ها را در دانشگاه برگزار میکند، مطالبه‌گری‌های کلان از رییس صداوسیما و بطور خاص از رییس شبکه ۳ را با جدیت و با حضور دانشجویان پیگیری میکند، تنها شریه ی دانشگاه به نام نبض صداوسیما را با بهره‌گیری از دغدغه‌ها و قلم دانشجویان و برای رساندن صدای مطالبات دانشجویی به مسئولین به طور مرتب منتشر میکند و در کنار همه اینها از برنامه‌های روتین معرفت افزایی نیز غفلت نمی‌کند، نباید به افتخارش کلاه از سر برداشت؟ کاری که عده‌ای ثابت کرده‌اند حرفه‌ایان آدم‌را یاد رسم مضحک شیخوخت پیش از اسلام می‌اندازد! اما مطالبه‌گری و فضای باز برای ارائه نظرات و انتقادات می‌زنند و بعد تعداد ترمهای گذرانده شده را بجوز فعالیت دانشجویی می‌دانند!

آنچه در جلسه پرسش و پاسخ با مسئولین دانشگاه در ۲۱ آذرماه گذشت، نشان داد که خوشبختانه همچنان می‌توان به بروز روحیه ی مطالبه‌گری در فضای سرد دانشگاه صداوسیما امیدوار بود. دانشجویان صادقانه مسائل و انتقادات خود را با ریاست محترم دانشگاه مطرح کردند و تا جایی که زمان اجازه داد دکتر اسفندیاری به پاسخ و ارائه گزارش کار پرداختند. اما گویی این میان عده ای فضای مطالبه‌گری را با تخریب و هوچی‌گری اشتباه گرفته‌اند و هنوز به درک صحیحی از نقد و پرسش و پاسخ نرسیده‌اند. چه بسا عنوان جلسه را به درستی ندیده‌اند که این نشست قرار است محفلی باشد برای طرح نظرات با ریاست دانشگاه، نه فرصتی برای اتهام و برچسب زنی به رقیب (جالب تر اینکه خود را نیز داعیه دار تفکری میدانند که شعارش زنده باد مخالف من است)... حال کار به کجا رسیده که سطح دغدغه‌مندی دانشجویی را تا این حد تقلیل می‌دهند، خود بحثی دیگر است. حرفه‌ایان آدم‌را یاد رسم مضحک شیخوخت پیش از اسلام می‌اندازد! اما مطالبه‌گری و فضای باز برای ارائه نظرات و انتقادات می‌زنند و بعد تعداد ترمهای گذرانده شده را بجوز فعالیت دانشجویی می‌دانند!

عزیزم کجایی دقیقاً کجایی؟



محسن علیخانی:
کارشناسی ارشد مدیریت رسانه

سه قطره خون گل



سید فیاضی:
کارشناسی ارشد رادیو

دوباره یاد آنها، بوی آذر
سه غنچه شد اسیر تیغ خنجر
به روی دامن این خاک خفته
دوباره لاله‌های سرخ برپر
بگو ای غنچه جان! بیداد تا کی؟
بگو تا برگ و بارت را بچینند
بگو از موطنت تا که بینی
بساط پای دارت را بچینند

چه خونی خورد تا این اهرمن رفت
چه خونی خورد خاک سرزمینم
که تا صد قرن بعد از آن بروید
هزاران ازغوان از این زمینم
چه‌ها کرد اهرمن با زخم بر زخم
نشد از ما که غیرت را بگیرد
چه‌ها کردند ما لحظه‌ای هم
نشد تا ارمان در ما بمیرد

درون هر کدام ما ببینی
مثال یک خلیل بت شکن است
همین فریاد بیداد یعنی
که گرچه غرق خون، و امن است
دوباره یاد آنها، بوی آذر
سه غنچه شد اسیر تیغ خنجر
نوشتم از شما و مانده تنها
سه قطره خون گل بر روی دفتر

تابلوی زیبای سه قطره خون اثر علی اکبر موسایی نژاد



با اشاره به ضرب المثل «یک سوزن به دیگران بزَن، یک جوال دوز به خودت»، روضه ام را شروع می‌کنم. رطش را هم نمی‌گویم، شاید خودتان فهمیدید. اگر هم نفهمیدید عیب از من است. به خودتان شک نکنید. شما بهترینید. القصة هنگام بازی پرسپولیس و کاشی نمیدونم چه زاین در خوابگاه شهید آوینی اتفاقی عجیب افتاد. تلویزیونهای خوابگاه که فکر کنم از جام جهانی گذشته تا بحال روشن نشده بودند گردگیری شدند تا دوباره مورد استفاده قرار گیرد. عده‌ای به سبک دهه شصت، آنتن‌شان را تنظیم میکردند و عده‌ای هم تازه فهمیده بودند برخی تلویزیون‌های خوابگاه گیرنده دیجیتالی دارند. با هر تویی که به نزدیک محوطه جریمه می‌رسید صدایی که متعلق به دوران پارینه سنگی بود در خوابگاه می‌پیچید. هر چند ما قهرمان نشدیم ولی پرسپولیس کاری کرد بچه‌های خوابگاه پای تلویزیون بنشینند. حالا این جمع شدن خوابگاه‌ها دور تلویزیون از برکت فوتبال بود یا تلویزیون نمی‌دانم! وقتی صداوسیمایی‌های آینده، تلویزیون نمی‌بینند و بعضاً بدون دیدن برنامه‌ها، مدیران و برنامه‌سازان تلویزیون را به باد نقد می‌گیرند دقیقاً کجایی؟ عزیزم کجایی دقیقاً کجایی؟! حداقل بدانیم که داریم نان صدا و سیما را می‌خوریم. پس برای نمک شناسی و برسیم که عزیزم کجایی؟ دقیقاً کجایی؟!

فرار دانشجوی امروزی از علم اندوزی

قابل تصور نیست. اما واقعا چرا؟ کنش های اجتماعی ما آتما با هم چی بوده که اگر کسی دانشگاه نرفته باشه جیشش نمی گیریم و از ترس اینکه بچمون جدی گرفته نشه برامون هم قابل تصور نیس که به روزی بخوایم تو به حرفه دیگه حتی موفق ببینیمش؟

هیچ فکر کردیم دانشگاهی که برای آزاد اندیشی و چه بسا اندیشه های آزاد بود پر شد از فضاهای رخوت آلود جوانی که دیگه دانشگاه براشون تبدیل به یه حصار شده؛ جوانی که دیوونه وار درس می خونن دانشگاه قبول شن و بعد از قبولی واحد واحد می شمرن که کی تموم میشه؟ واقعا از کی بود که این شروع رویایی و پایان غم انگیز ترازوی زندگی خیلی هارو زغم زد؟

کردن می دوستن سرت تو درس و مشقه. اینقدر این فضای دانشجویی این چند دهه دوزا هم که واقعا مقایسه اش حال آدمو خوب نمی کنه. نمیخوام بگم دانشجوی بودن تو دوره ای که به عده میگن "همه رفتن بذار ما هم بریم ببینیم چه خبره" یعنی کسک، یعنی دوغ ولی خدا و کیلی دیگه دانشجوی شدن نه پرسنیز مباره نه اعتبار. تو زمنه ای که از هرخیلیون شهر به دانشگاه جوونه زده باید خیلی بگردی تا اون آدم اصله رو که برای جویایی دانش داره عمرش، جوانیش و سرمایه اش رو میذاره پیدا کنی. تا حالا شد فکر کنیدی اگر فرزندتون به روزی اومد نشست کنارتون و گفت بابا یا مامان من به تصمیمی گرفتم؛ اونم اینه که قصد ندارم دانشگاه برم و اکتونش چیه؟ میدونم که برای خیلیهامون

یه زمانی بود که وقتی کسی دانشجوی می شد همه با همون ب پسم الله به حساب دیگه ای برش باز می کردن؛ البته فقط دانشجوی صداش نمی کردن باور داشتن، همینجوری الکی الکی نبود. همه چی حساب کتاب داشت، وقتی دانشجوی می شدی دیگه به معنی واقعی کلمه دانش... جو می شدی. همه زندگیت می شد درس و درس و آمدات، حرف زدنت، راه رفتنت همه چیزیت دیگه متاثر از اون فضایی بود که درش قرار داشتی. از اقلام ثابت این دانشجویی هم معمولا به عینک ته استکانی بود با یه کیف دستی مستطیلی شکل و خروار خروار کتابی که هر روز رو دستت بود از مسیرونه تا دانشگاه، دانشگاه تا خونه. اصلا اینقدر پرستیژت خاص بود که تا نگات می

فاطمه زارع:

ارشد علوم تربیتی دانشگاه تهران



گفت و گوی خواندنی نبض صداوسیما با «امیرمهدی پوروزیری» کارگردان سریال «مینو»

دعا میکنم همه دانشجویان دانشگاه صداوسیما از سازمان «خراج» شوند!

کلنگ



محمد زند کرمخانی:
کارشناس ارشد مدیریت رسانه

دلم به حال تی و عود و چنگ، می سوزد به این سیاست الاکلنگ، می سوزد به دوره راست، بلند و به دوره چپ، بالا از این تسلسل دوز و دغنگ، می سوزد به حبس زمزمه ی ربنا ی صیام به جای عریده های جفنگ، می سوزد کجاست شهر گمشده ی کودکی، کجاست که کوچه های پر از سیخ و سنگ، می سوزد کنون که کندن ازین پست و میز دشوارست دلم به یاد جوانان جنگ، می سوزد تمام دولت تدبیر هم، شعاری شد امید جامعه بی نام و ننگ، می سوزد یکی به پای منت پاره و یکی به آفت پول بدون درنگ، می سوزد چه شد که طول زندگی از عرض، خالی شد که شیخ و مطرب و هم شوخ و سنگ، می سوزد ملولم از خیر افتتاح تکراری دلم به غربت بیل و کلنگ، می سوزد به طرحها و سخنها چه آب می بنندن ز شرم آبروی ایشانش شلنگ، می سوزد به حرمت و شرف لاله الا... جوان کشور من با سرنگ، می سوزد به کوچه ها و خیابان شهر، چشماتم به حال دخترکان پلنگ، می سوزد گناه طفل فروشنده چیست؟ آقایان همو که پیش شما، یان، قشنگ، می سوزد حذرکن از این قیل و قال تلخ ای زند زبان سرخ، سپر سبز و منگ، می سوزد

داشتیم که می توانستیم با آن مانند کارمندان وارد سازمان صدا و سیما شویم اما بعد از چند ماه آن کارت ها را از ما گرفتند و کارت های زشتی دستمان دادند و حق ورود به سازمان از ما سلب شد

بارها برای این مسئله جنگیدیم اما عنوان کردند که یک سری دانشجوی می روند در سازمان ول میگردند و معنای دانشجوی در سازمان عملا به معنی فرد ولنگار بود!

بچه های دانشگاه صدا و سیما در خود سازمان از هر غریبه ای غریبه تر هستند دلم برایشان میسوزد چون خودم همینطور بودم و این دوران تلخ را پشت سر گذاشتم و این شرایط را تجربه کردم. دانشکده فضای عجیبی دارد نمی دانم چرا سعی میکنند دانشجویهای خود را از سازمان دور نگه دارد و تلاش دارد در سازمان از دانشجویان بدگویی شود!

دانشکده عملا به یک نوع کارخانه ماشین سازی تبدیل شده که کارمند تولید میکند و تلاش میکند آدم های سربه زیر و کارمندان مطیع تربیت کند.

فضای دانشکده به گونه ای است که اگر شما یک فرد معترض و حق طلب باشید در نهایت شما را به یک فرد ساکت و مصلحت طلب تبدیل میکند و اصرار عجیبی دارد که خلاقیت دانشجویان خود را بکشد.

البته از حق نگذریم اساتید بزرگی هم در دانشکده هستند که خود بنده به شخصه مدیون آنها هستم اساتیدی مثل استاد جهرمی، استاد شهیدی و استاد عامه بیج اما خوب مشکلات دانشکده به قدری است که خوبی های این بزرگواران را در خود حل کرده است.

الان ارتباطات با سازمان چطور است حالا که کارمند سازمان شدید؟

من سه سال پیش از سازمان اخراج شدم (با خنده)، فیلمی برای حوزه هنری ساختیم و قرار شد از تهیه کننده آن که بنده بودم تقدیر شود و بعد از پیام تقدیر مقام معظم رهبری بلافاصله سازمان من را اخراج کرد!

قبل از آن هم کلی از این شبکه به آن شبکه پاس کاری می کردند چون زرومه برپاری داشتم ۵۰۰۰ دقیقه فیلم ساخته بودم، ۱۰ فیلم بلند در آفریقا کار کرده بودم، کارهای من از شبکه الجزیره پخش میشد و مدیران شبکه های مختلف ترجیح میدادند در شبکه آنها نباشم و در نهایت بعد از کش و قوسهای فراوان و بروکراسی های عجیب و غریب اعلام کردند که اخراج شده ام (با خنده).

اما اخراج حادته بدی نبود باعث شد خلاقیت هایی که فکر میکنم دارم بیش از پیش شکوفا شود و برای بروز خلاقیت همه دانشجویان و موفقیت روز افزون آنها امیدوارم همه دانشجویان دانشگاه صدا و سیما از سازمان اخراج شوند (با خنده).



میگرددیم یک نفر بالای سر ما ایستاد که داخل اینترنتن کجایا می رویم و به چه سایت های سرک می کشیم؟

بهترین خاطرات من برمی گردد به خوابگاه و شب هایی که با بچه هایی که پرپودند از ایده و خلاقیت دور هم می نشستیم و از ایده ها و نظرات هم بهره می گرفتیم.



آموزه های دانشکده به کارتان آمد؟

واقعیت این است که همه آنچه در آموزشگاه های هنری از جمله دانشکده صدا و سیما آموزش می دهند «شبه دانش» است نه «دانش».

شبه دانش محصول کسانی است که خودشان عملا کار تجربی نکرده اند و تنها کارهای دیگران را تحلیل کرده اند و دانشجویی که بر اساس «شبه دانش»، آموزش می بیند نمی تواند درکی از جهان واقعی داشته باشد.

اگر بخواهم برای تقرب ذهن مثالی بزنم شما درست مثل کسی هستید که روی تخته شیشه ای ایستادهاید و آماده پریدن، اما آموزش های دانشکده باعث می شود شما یا از این پریدن برترسید یا شما را به مسیری هدایت میکند که به پریدن ختم نشود.

آموزه های آموزشگاه های هنری از جمله دانشکده صدا و سیما عملا «ضد سینما» است و آموزه هایی است که برای موارد خاص طراحی شده نه موارد عام و وقتی از دانشکده بیرون می آید تازه متوجه میشوید چقدر با واقعیت دنیای بیرون متفاوت است.

ما همیشه در دانشکده محصور بودیم و ارتباطی را هم که باید با سازمان صدا و سیما نداشتیم. ارتباط دانشجویان در آن زمان با سازمان چطور بود؟

لذت ببرد و در دل همین سختی ها زیبایی و زندگی هست

کار بعد از مینو چه خواهد بود؟

در حال نگارش یک سریال دیگر با «سیما فیلم» هستیم که محتوایی طنز دارد و فعلا در حال نگارش کار هستیم البته قرار بود یک کار سینمایی برای جشنواره فجر امسال هم بسازم که کمی دیر شد و می ماند برای بعد.

از حال و هوای مینو و قاب تلویزیون بیرون بیاییم، دانشجویان دانشگاه صدا و سیما بودید، چه رشته ای و چه سالی؟

من ورودی سال ۱۳۸۰ هستم، در آن زمان کارگردانی بود که در آن زمان با چهار گرایش انیمیشن، تدوین، فیلم برداری و فیلم نامه نویسی ارائه میشد.

فیلم نامه نویسی را انتخاب کردم و تا آنجا که میدانم قبل و بعد از ما دانشجویی در این رشته پذیرش نشد و ما چهار نفری بودیم که کارگردانی با گرایش فیلم نامه نویسی می خواندیم.

از حال و هوای آن زمان دانشکده بگویید؟ از خاطرات دانشجویی؟

دانشکده صدا و سیما تنها دانشکده ای است که خاطرات دانشجویی در گوشه و کنار آن کم است چون اجازه دانشجوی بودن به شما نمی دهند. الان دانشگاه را بنییدن در دوران مدرن دانشگاه، شما وارد شدید، هر چند اطلاع دقیقی از وضعیت فعلی آن هم ندارم، اما در دوران ما سخت گیری های عجیبی در دانشکده وجود داشت به طور مثال ما حق داشتن تلویزیون و کامپیوتر در خوابگاه نداشتیم!

خنده دار نیست دانشجوی فیلم سازی و کارگردانی و... دانشکده صدا و سیما حق داشتن تلویزیون در خوابگاه را نداشت! و تلویزیون تنها در نمازخانه قابل استفاده بود و برای همین بچه ها با هزار بدبختی و هزار ترفند تلویزیون را داخل خوابگاه میبردند.

چطور بود؟

زمان ورود ما به دانشکده کارت دانشجویی

محبوبه علی آقایی:

کارشناسی ارشد روزنامه نگاری



«مینو» که این روزها به یکی از پر مخاطب ترین برنامه های تلویزیون تبدیل شده عنوان سریالی است که روایتگر قصه عاشقانه میان یک جاسوس عراقی و پرستار ایرانی در سالهای پر مذهب جنگ دو کشور است.

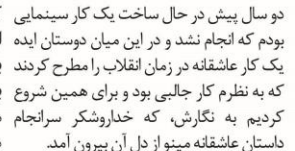
این سریال که هم اکنون بخش آن از شبکه اول سیما ادامه دارد ترکیبی از عشق و خیانت و انتقام را با هنرنمایی خاصی روایت میکند که ناگهان با شروع جنگ همه چیز شکل دیگری به خود گرفته و جای همه چیز و همه کس در داستان فیلم به یکباره تغییر میکند

«مینو» حاصل تلاش های دو ساله «امیرمهدی پوروزیری» از تحصیل کرده ها و فراغ تحصیلان دانشگاه صدا و سیما است و همین باعث شده سراغ این کارگردان برویم و گپ و گفتی با او در باره سالهای دور دانشگاه و «مینو» داشته باشیم.

«مینو» از کجا آمد؟

دو سال پیش در حال ساخت یک کار سینمایی بودم که انجام نشد و در این میان دوستان ایده یک کار عاشقانه در زمان انقلاب را مطرح کردند که به نظرم کار جالبی بود و برای همین شروع کردم به نگارش، که خدارو شکر سرانجام داستان عاشقانه مینو از دل آن بیرون آمد.

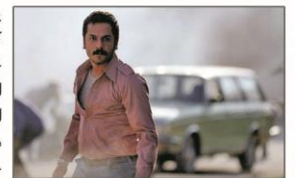
کار برای آنتن شبکه «یک» کمی سخت است اما سعی کردم مینو به گونه ای باشد که بتواند مخاطب را با خود همراه کند، سریال ۲۷ قسمتی است و از قسمت های میانی سریال خیلی چیزها در آن متفاوت میشود.



هدف خاصی را در این سریال دنبال می کنید؟

دو سال از عمر را صرف ساخت این سریال کردم اما بیشتر از آنکه پیام فیلم برام هدف باشد هدفم انتقال یک احساس خوب به مردم کشورم است اینکه مردم ساعات خوبی را با دیدن این فیلم بگذرانند، دوست داشته ام دیدن این فیلم مردم، کشورشان را دوست داشته باشند.

این سریال بیشتر از هر موضوع خاصی، درباره انسان است، درباره روابط بین انسان ها، تمام تلاشم در «مینو» این است که زیبایی های زندگی را برای مردم سرزمینم به تصویر بکشم، اینکه همین بودن کنار خانواده و زندگی در سرزمین مادری زیباست و اینکه خداوند حتی در اوج تلخی هایی مانند جنگ می خواهد انسان



درباره خاصی را در این سریال دنبال می کنید؟

دو سال از عمر را صرف ساخت این سریال کردم اما بیشتر از آنکه پیام فیلم برام هدف باشد هدفم انتقال یک احساس خوب به مردم کشورم است اینکه مردم ساعات خوبی را با دیدن این فیلم بگذرانند، دوست داشته ام دیدن این فیلم مردم، کشورشان را دوست داشته باشند.

این سریال بیشتر از هر موضوع خاصی، درباره انسان است، درباره روابط بین انسان ها، تمام تلاشم در «مینو» این است که زیبایی های زندگی را برای مردم سرزمینم به تصویر بکشم، اینکه همین بودن کنار خانواده و زندگی در سرزمین مادری زیباست و اینکه خداوند حتی در اوج تلخی هایی مانند جنگ می خواهد انسان

@iribnabz

شناسنامه

گاهنامه سیاسی، فرهنگی و اجتماعی جامعه رسانه اسلامی - دانشگاه صداوسیما

مدیرمسئول:

محمدحسین آزادی

سردبیر:

رضا کارگر

هیئت تحریریه این شماره:

محمدحسین آزادی، فاطمه اسماعیلی،

محمدرضا فرزادهم، محمد زند

کریمخانی، محسن علیخانی، امیر

موسویوند، محیا احمدی، مدد فیاضی،

محبوبه علی آقایی، فاطمه زارع، عرفان

رجب خراسانی

این نشریه صرفاً فاعلسی جنبه نظرات نویسندگان می باشد و مواضع رسمی این تشکل در بیانیه هاشم منتشر میگردد.